



چرا خداوند فقرا را غنی نمی‌کند؟

اینکه مشرکان مطرح می‌کنند که اگر خداوند می‌خواست فقرا را غنی خلق می‌کرد، مغالطه و خلط بین اراده تشریع و تکوین است؛ خدا اگر تکویناً می‌خواست قطعا آنها را غنی می‌کرد اما تشریعا خواسته و بر همه واجب کرده که از راه‌های مختلف مانند خمس، زکات و ... این فقر را جبران کنند.

اینکه مشرکان مطرح می‌کنند که اگر خداوند می‌خواست فقرا را غنی خلق می‌کرد، مغالطه و خلط بین اراده تشریع و تکوین است؛ خدا اگر تکویناً می‌خواست قطعا آنها را غنی می‌کرد اما تشریعا خواسته و بر همه واجب کرده که از راه‌های مختلف مانند

خمس، زکات و ... این فقر را جبران کنند. به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله العظمی جواد آملی سه‌شنبه، یک بهمن‌ماه، در تفسیر آیات 37 تا 49 سوره مبارکه یاسین بیان کرد: در جریان تشریح آیات سوره یاسین و انسلاخ لیل و حرکت زمین و خورشید بیان شد که اقدمین مسائل نجوم را در ریاضیات می‌دانستند بر این اساس زمین را متحرک و خورشید را ساکن قلمداد می‌کرد و بعد از آنها قدام بودند که این مسائل را در طبیعیات مطرح کردند و زمین را ساکن و خورشید را متحرک قلمداد می‌کردند تا زمان حال که بازگشتی به اقدمین وجود دارد یعنی سکون خورشید و حرکت زمین. وی ادامه داد: نکته در اینجا این است که تمام تحول در اندیشه انسانی و همه حرف‌های اقدمین، قدام و گالیه و کوپرنیک و نیوتن و امثال آنها، همه به نحو سالبه کلیه هیچ تاثیری به عنوان قبض و بسط در مثال کلیه علمی، فلسفی و دینی قرار نداد. اینکه شبهه قبض و بسط است که اگر در گوشه عالم حرف جدیدی پیش بیاید کل اوضاع به هم می‌خورد این برای مبادی و حوزه‌های درون حوزوی خودش است اما وقتی بیرون او باشد و ارتباطی با او نداشته باشد هیچ فرقی ندارد و هیچ اتفاقی نمی‌افتد.

تشریح شبهه قبض و بسط

آیت‌الله جواد آملی بیان کرد: اگر سخن از قبض و بسط است درباره همان حوزه‌های درون مرزی خودش است. اتفاقی که در این سیر افتاد اتفاق کمی نبود. حرکت از آسمان به زمین آمد در قدام و بعد از آنها گالیه و دیگران این حرکت را از زمین به آسمان بردند. این تفاوت از آسمان تا زمین است. اما به هر حال با وجودی که این تحول عظیم بود و این تغییر، تغییر کمی نبود هیچ اتفاقی در مسائل عمیق فلسفی، فقهی، عرفانی، اصولی، تفسیری و روایی نیافتاد و هیچ تغییری پیدا نشد چرا که اینها در درون مرز نجوم و حرکت آسمان و زمین نبودند.

پیامبران؛ حجت‌های انسانی برای مشرکان

این مرجع تقلید اظهار کرد: درباره مشرکان ذات اقدس اله می‌فرماید ما دو حجت برای مشرکان ارائه کردیم. یکی انسانی که همان پیامبران هستند و حجت دیگر آفاقی است. بر این اساس پیامبران نشانه و آیت خداوند هستند یعنی خود پیامبر معجزه است پیامبر دیگر احتیاجی به معجزه جدید ندارد؛ چرا که این گونه تربیت کردن در هیچ جای جهان و توسط هیچ مکتبی از هیچ کسی ساخته نیست. تربیت کسی که با ماوراء ارتباط داشته باشد، با فرشتگان حرف بزند، فرشتگان با او حرف بزنند و حرف‌های خداوند را بشنود در حالی که اینها درس نخوانده‌اند از سوی کسی به غیر از خداوند ممکن نیست. هیچ حوزه‌ای، هیچ دانشگاهی قدرت پرورش این چنین انسانی که بخواهد پیامبر شود را ندارند.

پیامبران؛ معجزات الهی/ حضرت علی(ع) از پیامبر(ص) درخواست معجزه نکرد

وی ادامه داد: بنابراین اگر کسی خبره باشد دیگر از پیامبر معجزه نمی‌خواهد. نمونه آن حضرت علی (ع) بود که از پیامبر هیچ وقت معجزه نخواست در حالی که در آن زمان هنوز به مقام امامت نرسیده بود. همین که پیامبر(ص) ادعای پیامبری کرد و گفت بگو «لا اله الا الله» حضرت علی (ع) هم قبول کرد. اگر کسی معجزه‌شناس باشد دیگر از معجزه، معجزه نمی‌خواهد.

ذکر معجزات الهی در سوره یاسین در سه بخش

آیت‌الله جواد آملی تصریح کرد: در آیات سوره یاسین خداوند سه بخش را به معجزات انبیا یا معجزات خود ذات اقدس اله اختصاص داد. درباره معجزات در آیه 33 فرمود: «وَأَيَّةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْتَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ» اینها معجزه است اما معجزه‌ای نیست که به دست پیامبر انجام شود. معجزه خود خداوند است. در آیه 37 فرمود: «وَأَيَّةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ تَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارُ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ» ما شب می‌آوریم ما روز می‌آوریم. اینها را بر اساس یک برنامه منظم اداره می‌کند. بعد از جریان لیل و قمر فرمود در آیه 41 فرمود: «وَأَيَّةٌ لَهُمُ أَتَا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ» کشتی‌سازی یک صنعت است معجزه نیست؛ اما اینکه این کشتی با این بار سنگین، پر بار و پر مسافر را در دریا حفظ کردن و جابه‌جا کردن همه آنها از یک مکان به مکان دیگر به وسیله باد کار ماست. باد در اختیار ماست و رسالت ما را به عهده دارد هم برای تلقیح کردن و هم برای جابه‌جا کردن مسافران دریایی.

وی ادامه داد: ذات اقدس اله با اشاره به همین آیات و دلایل می‌فرماید: «وَإِنْ نَشَاءُ نَغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيحَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ؛ تدبیر کشتی و سرنشینان آن با ماست؛ اگر بخواهیم آنان را در دریا فرو می‌بریم، آن گاه نه فریادرسی خواهند داشت و نه از غرق شدن نجات داده می‌شوند» اگر برای شما اتفاقی افتاد و کمی باد بخواهد این کشتی را به حرکت در بیاورد که شما را مضطرب کند و شما فریاد بزنید که کسی به دادتان برسد، دادرس ندارید که بخواهد شما را نجات دهد و عذاب را دفع کند و اگر کشتی واژگون

شد و دارد غرق می‌شود نجات دهنده ندارد که عذاب آمده را از شما رفع کند.

فرصت خداوند به مومنان؛ رحمت/ فرصت برای مشرکان؛ فرصتی محدود تا زمان عذاب

آیت‌الله جوادی آملی بیان کرد: خداوند تاکید می‌کند ما شما را می‌توانیم در این حالات نجات دهیم «إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ؛ آری، هیچ وسیله‌ای برای نجاتشان نیست، مگر رحمتی از جانب ما به آنان برسد و زنده بمانند و تا فرارسیدن سرآمدی که برایشان معین کرده ایم، از نعمت‌های دنیا بهره ببرند» ما برای دو هدف نجات می‌دهیم و بر انسان‌ها رحم می‌کنیم. اگر آینده این انسان‌ها ایمان و مومن بودن باشد و چنانچه حسن عقاب داشته باشند نجات ما رحمت است و اگر آینده آنها همان کفر و شرک باشد و بد عاقبت باشند، نجات آنها یک مهلت محدود تا دم مرگ است که بعد از آن به عذاب دچار خواهند شد.

این مرجع تقلید بیان کرد: انسان دو وظیفه دارد یکی در برابر خداوند که توحید و موحد بودن و عبادت خداوند است. خداوند در آیات پیش برای این وظیفه برهان اقامه کرد که مشرکان دست‌شان خالی بود و چیزی برای دفاع نداشتند. وظیفه دیگر انسان در مقابل انسان است و ارتباط خلقی او با دیگر انسان‌هاست. که مشارکت در نعمت‌های الهی با دیگران است.

وی ادامه داد: خداوند می‌فرماید «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ؛ هنگامی که به مشرکان گفته می‌شود: این آیات و نشانه‌ها همه بیانگر این است که خدا پروردگار شماست، بنابراین از این شرک و بت‌پرستی که پیش رو دارید، و از آن عذاب و کیفری که پشت سر دارید بپرهیزید، باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید، رویگردان می‌شوند و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان برایشان نمی‌آید مگر این که از آن رویگردان‌اند» چرا که از هر آیه اعراض می‌کنند، به دستور اخلاقی و اعتقادی در دین اصلا گوش نمی‌دهند.

دستور کمک به همنوع؛ وظیفه انسان در مقابل دیگر انسان‌ها

آیت‌الله جوادی تصریح کرد: دستور هماهنگی، امداد و کمک کردن به همنوع که در آیه 47 سوره یاسین آمده است اشاره به دومین وظیفه انسان دارد «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: از آنچه خدا به شما روزی داده است به مستمندان انفاق کنید و با آنان مهربان باشید آنان که کافر شده‌اند، از روی مغالطه، به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: آیا به کسی خوراک دهیم که اگر خدا می‌خواست او را اطعام می‌کرد و بی‌نیازش می‌ساخت؟! شما که مردم را به دستگیری از مستمندان فرا می‌خوانید جز در گمراهی آشکاری نیستید».

این مرجع تقلید بیان کرد: اولاً چیزی که انسان دارد خدا به او داده است و مال خودش نیست این مال الله است «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ، نور 33» درست است که اصل مالکیت حق است اما این در مقیاس انسان‌ها با یکدیگر است اما این چنین نیست که انسان در برابر خدا مالک باشد، انسان در برابر خدا مالک نیست و اصول مالکیت را خداوند در مقیاس انسانی عطا کرده است. بعد مشرکان مغالطه و توهمی را مطرح می‌کنند که سر آن خلط بین اراده تشریع و تکوین است. این مغالطه هم در مسائل اعتقادی، هم در مسائل عبادی، هم در مسائل اقتصادی وجود دارد. آنها می‌گویند اگر خدا می‌خواست آنها را غنی می‌کرد و به این فقرا غذا می‌داد پس زمانی که فقیرند خدا خواسته است که فقیر باشند. آنها به این نکته توجه ندارند که درست است ذات اقدس اله قادر مطلق است اما ما را مختار خلق کرده است «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَقُورُ؛ همان که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید و مشخص کند که کدامتان نیکوکارترید؛ و اوست آن مقتدر شکست ناپذیری که آمرزنده گناهان شماست» که بهترین اعمال را انتخاب کنیم و عمل خوب انجام دهیم.

خداوند اگر به صورت تکوینی می‌خواست فقرا را غنی می‌کرد/ کمک به فقرا امری تشریعی است

وی ادامه داد: خدا اگر تکویناً می‌خواست قطعاً آنها را غنی می‌کرد اما ذات اقدس اله تشریعاً خواسته و بر شما واجب کرده است که از راه‌های مختلف مانند خمس، زکات و ... این فقر را جبران کنیم. بر این اساس ما در جامعه اسلامی فقر تکوینی (مریض، از کار افتاده، پیرمرد، پیرزن) داریم چرا که نمی‌توانیم جلوی این‌ها را بگیریم اما فقر اقتصادی نداریم. حضرت امیر نفرمود که من به فقیر کمک می‌کنم کمک به فقیر امری عاطفی است؛ بلکه فرمود من اگر فقر را ببینم گردن او را می‌زنم. کمک به فقیر کار هر کسی است و هر کسی می‌تواند به فقیر کمک کند اما آنچه مهم است این است که امیر المومنین (ع) با فقر مخالف بود.